

پیوستگی زبانهای کردی و فارسی

در شماره پنجم مجله گرامی ینما (مرداد ماه ۴۵) مقالتی زیرعنوان « پیوستگی زبان کردی با زبانهای فارسی، پهلوی و اوستائی، از نظر خوانندگان ارجمند و سخن سنج گذشت اینک دنباله آن بطور اختصار :

بجاست که در سرآغاز این قسمت سخنی از استاد معظم و دانشمند آقای پور داود نقل کنیم : «... گوش کردی یکی از بزرگترین و سودمندترین گوشهای میهن ماست که پیوستگی آن با فارسی و گوشهای رایج کنونی ایران مانند بلوچی و خوانساری و سمنانی و مازندرانی و گیلکی و جز اینها آشکار است . همچنین خویشاوندی آن با زبانهای کهنه ایران چون اوستائی و پارسی باستان و پهلوی ۱». این پیوستگی ، به صورتهای گوناگون چه در ادبیات عامیانه و چه در ادبیات کلاسیک کردی و فارسی مشهود است . دامنه امثال ، تعبیرات ، اصطلاحات ، و واژه های مشترک در بین فارسی و کردی به حدی وسیع است که بررسی و جمع آوری آنها نیازمند مدتها تحقیق و مطالعه در منابع و مآخذ مفصل و متنوع فارسی و کردی است . یکی از نکات مهمی که در ضمن این بررسی جلب توجه می نماید ، اینست که در کردی صرف نظر از موارد استثنائی ، امثال و حکم جنبه عامیانه دارد . در حالیکه در زبان فارسی فسحت میدان ادبیات از یک طرف و طبع و ذوق شعر دوست ایرانی (اعم از فارسی و کرد آذربایجانی) از طرف دیگر ، موجب شده است که به میزان قابل ملاحظه ای از اشعار ، مخصوصاً مصرعها تک بیتها و دوبیتی های زیبا و نغز که از جهت ایجاز و محکمی و روانی برای مثل بودن شایستگی دارد در زبان خاص و عام جنبه امثال سائر پیدا کرده و برگنجینه اصطلاحات و امثال و حکم عامیانه افزوده شده است . به عنوان مثال به این ابیات اشاره می شود :

هر دم از این باغ بری میرسد	تازه تر از تازه تری میرسد نظامی
به خود گفتا جواب است این نه جنگ است	کلوخ انداز را پاداش سنگ است . نظامی
صلاح کار کجا و من خراب کجا	بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا . حافظ
من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش	هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت . حافظ
علم چندانکه بیشتر خوانی	چون عمل در تو نیست نادانی . سعدی
کهن خرقه خویش پیراستن	به از جامه عاریت خواستن . سعدی
هفت رنگ است زیر هفت اورنگ	نیست بالاتر از سیاهی رنگ . نظامی
هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود	در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست . حافظ
با شیر به تن فروشد این راز	با جان بدر آید از تنم باز . نظامی
بعلاوه گویندگان و سخن سرايان بزرگه ،	بسیاری از اصطلاحات و امثال قدیمی

۱ - اناهیما (پنجاه گفتار پورداود) مقاله « نامهای پرندگان در زبان کردی ،

فارسی را در قالب اشعار و ابیات زیبا و شیوای خود نگاهداشته و از مدفون شدن آنها در گورستان فراموشی جلوگیری کرده‌اند. با اینحال بسا تعبیرات، اصطلاحات و امثال، که به قول نویسندهٔ ارجمند و توانای ایران سید محمد علی جمالزاده: «... زمانی زیانزد فارسی زبانها و در میان مردم ما مصطلح و متداول بوده و امروز از میان رفته و برطاق نیسان نقش بسته است ۱». درحالیکه شماره‌های زیادی از آنها، هنوز هم در زبان کردی (بدون اینکه در اشعار شعرای کرد هم بکاررفته یا در کتابها آنطور که باید و شاید ثبت و ضبط شده باشند) به‌حال خود باقی و درمیان مردم مصطلح و متداول‌اند. تنها اختلاف آنها در تلفظ کلمات مترادف کردی و فارسی است. مانند اصطلاح «بینی کردن» که کنایه از غرور و تکبر است^۲ و در این ابیات از مثنوی آمده است:

شکر کن غره مشو بینی مکن گوش دار و هیچ خود بینی مکن

هر کسی کو از حسد بینی کند خویش را بی گوش و بی بینی کند

در کردی اصطلاح «لوت کردن» که ترجمهٔ تحت‌اللفظی آن «بینی کردن» است به معنی «اخم و تخم» و «خود را گرفتن» و «غرور و تکبر نشان دادن» بکار میرود و در زبان خاص و عام و با سواد و بی‌سواد به این معنی متداول است.

یا در بیتی دیگر از مثنوی اصطلاح «بینی زدن» آمده است:

وراشارتهاش را بینی زنی مرد پنداری و چون بینی زنی

استاد جمالزاده در صفحهٔ جامع فرهنگ لغات عامیانه ضمن بحث دربارهٔ این اصطلاح می‌نویسد: «... به قول حاج ملاهادی سبزواری در «شرح مثنوی» [بینی زدن] بمعنی بی‌اعتنائی کردن است ... و معنی بیت از قرار معلوم چنین است که اگر باشارتهای او محل نگذاری خواهی پنداشت که او مرد است ولی چون درست بنگری زنی خواهد بود».

در زبان کردی اصطلاح «لوت پیاهاوردن» که ترجمهٔ تحت‌اللفظی آن «بینی مالیدن» یا «بینی کشیدن بر روی کسی» است به معنی اعتنا کردن و محل گذاشتن به کسی به کار رود. در این صورت بعید نباید دانست که این اصطلاح مفهوم همان اصلاح «بینی زدن» فارسی باشد که تا کنون در قالب کلمات کردی محفوظ مانده است و معنی بیت بالا ظاهرأ چنین است که اگر اعتنا و توجه شما فقط به اشارات او باشد شاید تحت تأثیر آنها (اشارتها) فریب خورده او را مرد تصور کنی، ولی چون به دقت بنگری نادرست بودن این تصور بر تو معلوم خواهد شد و او را زنی خواهی دید.

البته این توجیه حدسی بیش نیست و منظور ما از اشاره به این اصطلاحات، استدلال در زمینهٔ وسعت زبان کردی و نیروی تحفظ این شاخهٔ محکم زبان ایرانی است، نه اظهار نظر در بارهٔ معنی حتی يك بیت از مثنوی که خارج از حدود این گفتار است. شواهد دیگری از واژه‌ها، اصطلاحات مشترک در بین فارسی و کردی است که استدلال ما را در این زمینه محکم تر و مستندتر خواهد کرد. مخصوصاً با توجه به اینکه نه تنها این شواهد بلکه غالب اصطلاحات و امثال و حکم کردی (همانطور که اشاره شد) جنبهٔ عامیانه دارد و هر يك از آنها به تنهایی دلیلی

۱- رکه به مقدمه فرهنگ لغات عامیانه. تألیف سید محمد علی جمالزاده. به کوشش

محمد جعفر محبوب. ۲- فرهنگ آندراج.

محکم برای نزدیک شدن به حقیقت و واقعیت امر است . بسا نکته‌های شیرین اخلاقی و اجتماعی و پند و اندرزهای گرانبها که شاید در آغاز بر زبان افراد عامی و ساکنان دشتها و کوهپایه‌های سرسبز کردستان جاری شده ، و اکنون بدون اینکه کسی سرچشمه اصلی غالب آنها را بداند به صورت امثال سائر درآمده است .

بدون شك این یادگارهای گرانبها از افکار و احساس کسانی سرچشمه گرفته است که سالهای عمر خود ، شكست و موفقیت ، آزادی و اسارت ، ناکامی و کامروایی ، توانگری و درویشی افراد ، خانوادها و طبقات مختلف مردم ، خلاصه صحنه‌های گوناگون زندگی را شاهد و ناظر بوده ، از آنها عبرت آموخته و تجربه اندوخته‌اند . این افراد با تجربه و سردو گرم روزگار چشیده ، گاهگاه به مقتضای حال سخن در تعبیر و تفسیر اوضاع و احوال محیط زندگی خود ، و وقایعی که با آنها روبرو شده‌اند ، بر زبان رانده و بدین ترتیب پایه بسیاری از اصطلاحات ، مخصوصاً امثال و حکم عامیانه را گذارده‌اند . سخنی که چون از جان برون آمده است پس از قرن‌ها گذشت زمان بردل نشیند . مجموعه این سخنان نغز گنجینه گرانبهایی است که بررسی آن افکار ، عقاید ، آداب و رسوم و بسیاری از خصوصیات زندگی گذشتگان را نشان میدهد . به‌لاوه منبع بزرگی است برای بسیاری از واژه‌های قدیمی . علاوه‌الدین سجادی یکی از ادابای مشهور و معاصر کرد درباره امثال و حکم زبان کردی می‌نویسد . «... کردها خیلی پاینده به امثال و پندهای گذشتگان خود هستند . هر فرد کرد اعم از شهری و دهاتی ، با سواد و بی‌سواد ، همیشه در ضمن صحبت يك یا چند تا از امثال سائر را به‌عنوان پشتوانه سخنان خود بر زبان می‌راند . با اینحال در میان کردها بی‌سوادان بیشتر از باسوادان مقید و علاقمند به امثال و پندهای گذشتگانند و ذوق کردی خالص و عامیانه بیشتر و بهتر با این گفته‌ها توافق دارد . این خود دلیل است بر اینکه امثال و اندرزهای گذشتگان جوهر و پایه زبان کردی است » این نکته قابل توجه است که همین گفته‌های عوام و همین جمله‌های مختصر کردی که شاید در ظاهر امر خیلی ساده به نظر برسد ، با بسیاری از اشعار و ابیات که در زبان فارسی به صورت امثال جاری درآمده است برابر می‌میکند و غالباً همان معانی وسیع آنها را در قالب کلمات کمتری در بردارد و به حقیقت مصداق «خیر الکلام ماقل و دل» را پیدا میکند . این هم چیزی نیست جز پیوستگی ذاتی کردی و فارسی و پیوند معنوی ادبیات شیرین زبانهای ایرانی . در این مورد نیز به ذکر چند مثال می‌پردازیم :

دهستیک نتوانم بیبرم ماچی ئه کم . ترجمه : دستی را که نتوانم بیبرم می‌بوسم .
 چو دستی نتانی گزیدن بیوس . که باغالبان چاره زرق است ولوس . سعدی
 با آنکه خصومت نتوان کرد بساز . دستی که به‌دندان نتوان برد بیوس . سعدی
 به‌قصه‌ی خوش‌مار له‌کن دیته‌ده‌ر . ترجمه : به‌گفته‌ی شیرین‌مار از سوراخ بدر آید .
 درشتی و تندى نیاید به کار . به نرمی در آید ز سوراخ مار . فردوسی
 نه‌مالی به‌جنگ نه‌پیلای تنگ . ترجمه : نه در خانه جنگه نه پای افزار تنگه .
 تهی پای رفتن به از کفش تنگ . بلای سفر به که در خانه جنگه . سعدی

۱- میزوی نه‌ده‌بی کوردی (= تاریخ ادبیات کردی) علاوه‌الدین سجادی . چاپ بغداد .

قصه که و ته زاری نه که و یته شاری. ترجمه: سخن در دهانی افتاد در شهری می افتد.
سخن تا نکویند پنهان بود چو گفتند هر جا فراوان بود. فردوسی
دار تا میوهی زیاتر بی سر له خوار تره. ترجمه: درخت هر قدر میوه اش بیشتر
باشد سر به زیر تر است.

بلندیت باید تواضع گزینن که آن بام رانیست سلم جزاین. سعدی
راسی رز گاریه. ترجمه: راستی رستگاریست.

از کجی به که روی بر تابید رستگاری ز راستی یابید. نظامی
زوان بیللی سر سلامته. ترجمه: زبان بگذارد سر سلامت است.

زبان بسیار سر بر باد داده است زبان سر را عدوی خانه زاد است. وحشی
هر چه بچینی نه و نه دروینته وه. ترجمه: هر چه بکاری همان بدروی.

نکر تا چه کاری همان بدروی سخن هر چه گوئی همان بشنوی. فردوسی
عقل به گه وره و پچو کی نیه. ترجمه: عقل به بزرگی و کوچکی نیست.

آنچه حق آموخت مرزنبور را آن نباشد شیر را و گور را
خانه ها سازد پر از حلوی تر حق بر او آن علم را بگشود در

آنچه حق آموخت کرم پبله را هیچ داند آنگون حیله را؟ مولوی
مسی و راسی. ترجمه: مستی و راستی:

به مستی توان در اسرار سفت که در بیخودی راز نتوان نهفت. حافظ
ده رسای کش مه ته قینه، تاده رسات نه ته قیننن. ترجمه: در کس مکوب

تادرت را نکویند.
انگشت ممکن رنجه به در کوفتن کس تا کس نکندر نجه به در کوفتن مشمت

دار به گه وره بی ناچه میته وه. ترجمه: درخت در بزرگی خم نمی شود.
نخلی که قد افراشت به پستی نکراید شاخی که خم آوردد گرا راست نیاید

نه وهی پیم نه کرد خیر، لیم بو به گرك وشیر. ترجمه: به هر کس نیکی کردم
نسبت به من گرك و شیر شد.

با هر که دوستی خود اظهار می کنم خوابیده دشمنی است که بیدار می کنم. مولوی
امثال بالا اندکی از بسیار است که بر حسب تصادف و اتفاق جمع آوری شده است و فقط به

منظور مقایسه با آیاتی که با آنها تشابه معنی دارند و غالباً در زبان فارسی جنبه امثال جاری
پیدا کرده اند ذکر شد، تا هم نمونه ای از امثال و حکم نغز و شیوه ای کردی عرضه شود و هم در

مقام مقایسه با آیات فارسی نموداری از تجلیات ذوق و احساس ایرانی در قالب کلمات کردی
و پیوستگی آن با جلوه های دیگر همین ذوق و احساس در قالب کلمات فارسی باشد. و گرنه

تعبیرات، اصطلاحات و امثال مشترک در بین فارسی و کردی را در کتابی جدا گانه باید جمع
آوری کرد.

بدون شك انعام چنین کاری نه تنها در مورد کردی بلکه در مورد هر يك از گوشه های

محلّی ایران خدمت بزرگی به زبان فارسی است. زیرا، به قول ویلهلم هایگر مستشرق بزرگ آلمانی: «زبان فارسی اگر بخواهد از گنجینه ثروتمند لهجه‌های محلّی خود مدد بگیرد اصلاح و تغییر صورت بزرگی خواهد یافت».

در این گفتار فقط به منظور یک بررسی کلی، مخصوصاً از نقطه نظر پیوستگی فارسی و کردی بجاست اشاره کنیم که: اصولاً، اصطلاحات و امثال مشترک فارسی و کردی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف: آنهاییکه هم از لحاظ کلمات و جملات و هم از لحاظ مضمون یکسانند و اختلاف آنها فقط در تلفظ کلمات است مانند ترکیبات و اصطلاحات: چشم به راه بودن، شباس یا شاپاش کردن، ساخت و پاخت، سخت گرفتن، سیب چرب کردن، درهم و برهم، به تنگ آمدن، قرار و مدار، خوش باوری، سر به سر گذاشتن، شب چهره، تنه‌لش، پیشدستی کردن، دست برداشتن، بی‌گدار به آب زدن و غیره... که تلفظ آنها در زبان کردی به ترتیب چنین است: «چاوه ربون»، «شواش کردن»، «ساخت و پاخت»، «سخت گرفتن»، «سمیل چور کردن»، «درهم و برهم»، «به تنگ هاتن»، «قرار و مدار»، «خوش باوری»، «باوا و مجهول» (سر به سر نایین، یا، سر به سر نیان، «شوچره»، «تنه‌لش»، «پیشدستی کردن» (بایای مجهول)، «دهس هدل گرفتن»، «بی بووارله آوادیین، یا، بی بووارله آودان».

یا مانند این امثال: کوه به کوه نمی‌رسد آدم به آدم می‌رسد (= کیو به کیو [بایای مجهول] ناگات آدم به آدم آگات). کل اگر طیب بودی سر خود دو نمودی (= که چهل ده‌رمان که ربو وایه ده‌رمانی سهری خوی‌ئه کرد). سنگ بزرگ علامت نزدن است (= به‌ردی زل هل‌گرتن نیشانه‌لی نه‌دانه). دست بالای دست بسیار است (دهس له‌بانی دهس زوره). يك بام و دو هوا (= بانیکه و دو هوا). آب از سر چشمه گل آلود است (= آوله سه رچاوه وه ليله).

ب: آنهاییکه مضمون و مفهومی واحد دارند و اختلاف آنها فقط در بعضی کلمات تشکیل دهنده جمله است نه در همه آنها.

مانند: «ششدرماندن»، «زهر چشم گرفتن»، «قال چیزی را کندن» که در کردی به ترتیب چنین‌اند: «ششدرلی گیران» (= ششدر بسته شدن)، «چاو ترسانن» (= چشم ترساندن) «قال کوتا کردن» (= قال کوتاه کردن). یا مانند این امثال: چه‌پله به‌ده ستیک لی نادری (= کف بایک دست زده نمی‌شود. نظیر: يك دست صدا ندارد). مریشکی برسی آشی آو بردوله خه‌وا ایینی (= مرغ گرسنه آسیای آب برده را در خواب می‌بیند. نظیر: مرغ گرسنه ارزن در خواب می‌بیند). خوینی ناحق گم ناوی (= خون ناحق گم نمی‌شود. نظیر: خون ناحق نمی‌خوابد). خوز گم به و باخدی و ورچی لی اتوری (خوشا باغی که خرس از آن قهر کند. نظیر: شنال از باغ قهر کند مفت باغبان است).

ج: اصطلاحات و امثالی که از لحاظ کلمات و جملات متفاوت‌اند ولی از نظر معنی و مقصود و مورد استعمال یکسانند. مانند: «دم سیخ کردن» که در فارسی «در مورد مردن یا سقط شدن کسی با لحن تحقیر و توهین یا مزاح گویند: فلانکس هم پر پروزها دم سیخ کرد». «این

۱- رجوع شود به مقدمه فرهنگ لغات عامیانه، تألیف جمالزاده.

۲- فرهنگ لغات عامیانه سید محمد علی جمالزاده به کوشش محمد جعفر محبوب.

اصطلاح برابر است با اصطلاح کردی «پاجوت کردن» (= پاجفت کردن) که در همان مورد استعمال شود. یا مانند این امثال: وشرله خه یالی وشره وان له خه یالی (= شتر درخیالی ساریان در خیالی) نظیر: «فیل خوابی بیند و فیلبان خوابی». آوت به ده ستویه می خورد (= آب در دست داری مخور. نظیر: گل به دست داری مپوی). پاره بدیت ملاله مزگوت [مزگت] ده رئه که یت (= اگر پول بدهی ملارا از مسجد بیرون میرانی. نظیر: پول حلال مشکلات است. یا: زر برسر فولاد نهی نرم شود.

همانطور که در بالا اشاره شد یکی از نتایج مهم بررسی اصطلاحات و امثال و حکم کردی دست یافتن به بسیاری از واژه‌های اصیل ایرانی است که غالباً، صورت و مفهوم و حتی تلفظ آنها بهتر از آنچه در زبان فارسی دیده می‌شود حفظ شده است. به عنوان مثال به چند واژه از قسمت اخیر مثالهای کردی که در بالا ذکر شد اشاره می‌کنیم:

وشر Wushtr (= شتر)، اوستا *Ushtra*، سانسکریت *Ustra*، پهلوی *Ustr*^۱ بطوریکه ملاحظه می‌شود صورت کردی این کلمه حتی بیش از صورتهای پهلوی و سانسکریت آن با کلمه اوستائی *Ushtra* نزدیکی و شباهت دارد.

وان (در کلمه وشره وان = ساریان) همان پسوندبان فارسی که در پهلوی *Pân* و در اوستا و سانسکریت *Pâna* است.

آو aw = فارسی آب، اوستا *âp* سانسکریت، *âpa* پارسی باستان *âpi*، پهلوی *âp*. همانطور که مشاهده می‌شود در کلمه *âq* حرف *p* قدیم به *w* (تلفظ این حرف در کردی همان تلفظ و اومخصوص اوستایی است که در کلمه *bawri* = بیر آمده است) تبدیل شده است. اصولاً در زبان کردی این تغییر در بسیاری از واژه‌های قدیم ایرانی که در آنها حرف *p* بعد از ویل آمده صورت گرفته است مانند این کلمات:

بابک: (در اینجا بمعنی پرورنده و پدر مورد نظر است نه سایر معانی این کلمه) در کردی *dâwuh* و *bawk*. پهلوی *pâpak*.

آپستن: پهلوی *âpustan*، کردی *âwus*

شب: پارسی باستان *Xshpa* اوستا *Xshapan* *Xshap*. پهلوی *Shap* - *Shawâk*. کردی *Shaw*.

شبان: پهلوی *Shupân*. کردی *Shuwân*.

مزگت: صورت قدیمی و آرامی کلمه مسجد است که تا کنون در زبان کردی محفوظ مانده است

پاره: یکی دیگر از کلمات اصیل ایرانی که در آخرین جمله کردی بخش ج با همان معنی قدیمی خود یعنی «پول» آمده، کلمه پاره است. چه از کلماتی که برای انواع پول در ایران بکار میرود «ریال» اسپانیائی، «قران» عربی، «تومان» ترکی، «اسکناس» روسی (در اصل فرانسه ولاتینی)، «دینار و درهم» یونانی است. حتی خود کلمه پول هم که در معنای عام کلمات مذکور را شامل است یونانی الاصل میباشد. و تنها واژه فارسی و ایرانی که مفهوم

کلمه پول را برساند کلمه «پاره» (پهلوی Pārak) است! استاد پور داود در صفحه ۲۴۶ کتاب هر مزدنامه در این زمینه می نویسد: «شاید يك لغت فارسی که تا با اندازه ای مفهوم کلمه پول را برساند «پاره» باشد. در نوشته های پهلوی کلمه پارگ بمعنی پول بکار رفته است... خود کلمه پاره یادآور نخستین مرحله سکه است. پیش از اینکه فلزات را سکه زنند و آنها را به نقش یا خطی بیارایند پاره فلزات از برای داد و ستد بکار میرفت.»

جالب توجه است که پس از قرنهای گذشت زمان اکنون هم کلمه «پاره» در زبان کردی به معنی «پول» به کار میرود و در غالب نقاط کردستان، مخصوصاً مناطق عشایری و دهستانها و حتی بعضی قصبهها و شهرکها پول مورد استعمال ندارد و این کلمه فارسی با همان معنی قدیمی خود در زبان خاص و عام باقی مانده است. نظایر این اصطلاحات و امثال و واژه های اصیل ایرانی در زبان کردی فراوان است. امید است در شماره های آینده بازم امکان بحث در این باره پیش آید.

۱- هر مزدنامه، نگارش استاد پور داود. گفتار «پول»، ص ۲۷۴-۲۳۳

« از بیانات حضرت حسین بن علی علیه السلام »

چهار اشخاصی سوگو کند هیچ روزی

بگویمت ز خداوند کار سیف و قلم گاه علوم
چهار شخص سوگو کند خوردند دلیر
که بیمشان نبود از خدا و رستاخیز
نخست آنکه فرومایه است و دون همت
بهیچ رو نشمارد وجود خویش عزیز
دوم کسی که بهنگام بحث و استدلال
بود ضعیف ز ذکر دلیل و منطق نیز
بهیچ روی مراوراه خلاص و گریز
سوم کسی که گنه کرده است و اینک نیست
ز یاوه گفتن از آنرو نمیکند پرهیز
چهارم آنکه زبانش باختیارش نیست
بدیع الله کوثر